

غلامرضا صفحانی

علی راهگیری

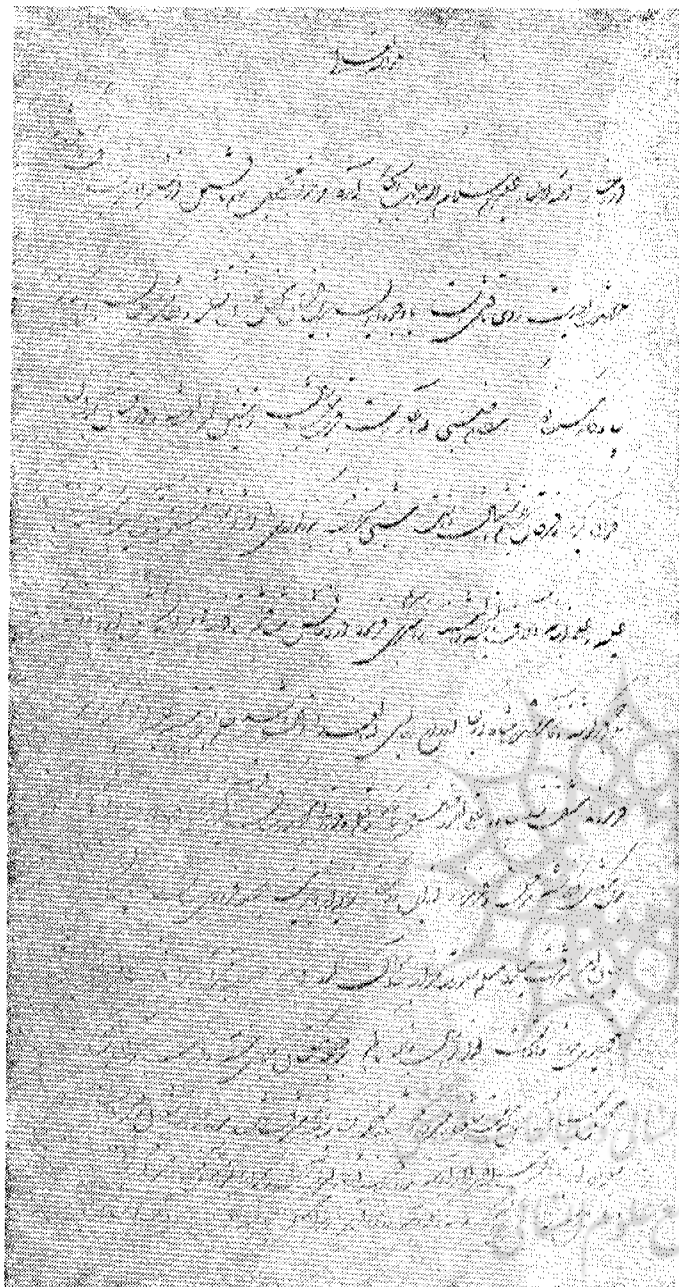
مرحوم میرزا غلامرضا اصفهانی یکی از خوشنویسان بزرگ قرن اخیر و همزمان با محمدرضای کلهر (۱۲۴۵ - ۱۳۱۰ ه. ق) قدهوالکتاب بود، که شهرتش در آفاق منبسط است. او خط نستعلیق را بسیار عالی، و درست و کامل و استادانه مینوشت و خصوصاً در فن کتیبه‌نگاری و ترکیب کردن کلمات شیوه‌بی‌ممتاز از اقران داشت و علاوه بر مراتب هنرمندی طبع شعر نیز داشته و گاه‌گاه بگفتن نظم میل و رغبت میکرد. از آثار باقیمانده موجود وی درمی‌یابیم که علاوه بر قلم نستعلیق در خط شکسته نیز دارای مهارتی کامل بود و در این قلم استادی مسلم شناخته می‌شد. عادت و شیوه وی چنین بود که بجای امضا در ذیل آثار خویش گاهی خطوط خود را با رقم (یا علی مدد) یا (یا علی مدد است) مشخص میکرد. حتی برخی از شاگردانش بتقلید از استاد بعضی مشقها و الواح خطی خود را با رقم (یا علی مدد است) تزئین میکردند که بعلت تشابه شیوه و سبک خط‌گاهی از اوقات امر تشخیص و تمیز خطوط استاد و شاگرد از هم مشکل می‌شد.

از مطلب دور نرویم. متأسفانه تاکنون کسی شرح حالی از آن مرحوم بطوریکه شایسته مقام و روشنگر گوشه‌های تاریک زندگی وی باشد ننوشته و اگر در معدودی از مآخذ هم چیزی آمده چندان مجمل است که مطلبی درست و روشن بدست نمی‌دهد. چنانکه مرحوم محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در کتاب المآثر و الآثار صفحه ۲۰۳ در ترجمه احوال استاد با آوردن مختصری بسنده کرده و همین اندازه می‌نویسد: «میرزا غلامرضا خوشنویس در خط نستعلیق استادی ماهر و خداوند قلمی قادر بود. کتابه مدرسه سپهسالار اعظم حاج میرزا حسین خان اوائلش بخط اوست» و از میان فضایی اخیر که در امر خط تحقیقی کرده‌اند مرحوم دکتر بیانی است که در دفتر خود بنام احوال و آثار خوشنویسان در شرح حالی نسبتاً روشن یک جا یک مکتوب و جاهائی قسمت‌هایی از مکاتیب دیگر او را حروف چینی و در آن شرح احوال آورده است ولی حقیر را توفیق مدد نمود که باصل آن مکاتیب دست یافتم و برای نخستین بار گراور آن نامه‌ها چاپ می‌شود.

باری از مطالب این چند نامه درمی‌یابیم که پدر میرزا غلامرضا - میرزا جان از اصفهان بطهران آمد و در این شهر اقامت گزید و بقنادی مشغول شد و همسری نیز برگزید و صاحب چند دختر گردید و چون پسری نداشت بمشهد رفت و از ثامن الائمه خواست تا خداوند پسری بوی عطا فرماید. . . آرزویش برآورده شد و ازین رو نام آن پسر را غلامرضا نهاد.

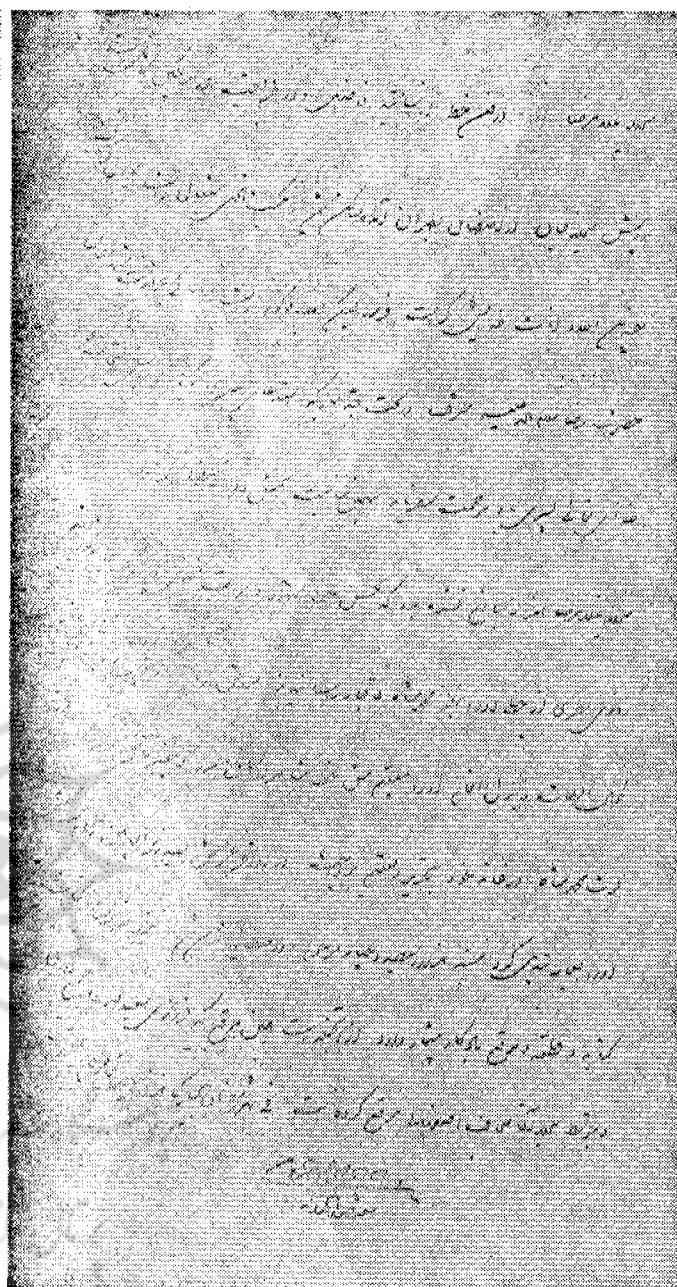
در نامه‌یی که بقلم معتضدالدوله (بطن غالب باید از شاگردان مرحوم غلامرضا باشد) نوشته شده نکاتی جالب از زندگانی مجهول استاد بر ما آشکار می‌شود که میرزا غلامرضا قبل از سن بلوغ در حسن خط و فضل باشتهار رسیده بود و موقعیکه خطش را بنظر محمد شاه قاجار رساندند شاه ویرا احضار و امتحان





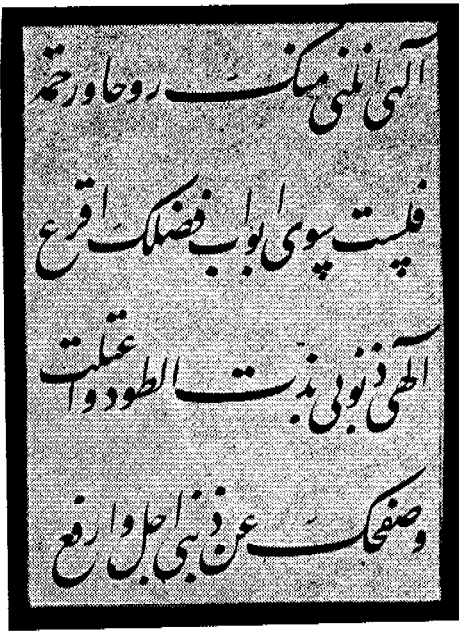
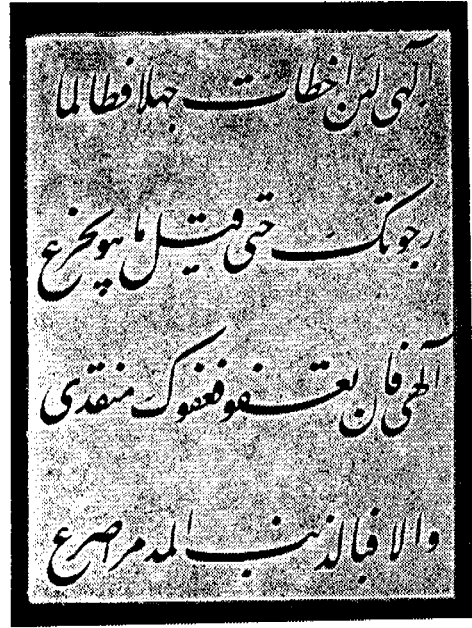
(شکل ۲)

عیناً گراور و بنظر خوانندگان میرسد (شکل ۱).
 برای روشن شدن احوال میرزا غلامرضا تامه‌ی دیگری که
 نمونه خط و انشای میرزاست عیناً نقل می‌کنم: (شکل ۲).
 در اخبار ائمه اطهار علیهم سلام الله الملك الجبار آمده که
 خواب مجعول بهم یافتن از شاه راه صواب انحراف و از پیشگاه
 حضرت احدیت روی بر تافتن است. با وجود ایمان بدین فرمان
 محض عرض تشکر و تفاخر بهمگنان این چند سطر را بیادگار



(شکل ۱)

کرد و پس از توفیق او در امتحان مورد مرحمت و مکرمت قرار
 گرفت و علاوه بر دریافت صله و انعام مقامی در دربار یافت
 و تعلیم خط برخی از شاهزادگان نیز بوی محول گردید و باز
 از مفاد نامه استنباط می‌شود که این استاد پس از فوت محمد شاه
 در خانه خود بنویشتن خط و تعلیم شاگردان پرداخت و در اواخر
 عمر بوسیله مرحوم سید زین العابدین امام جمعه وقت کلاه
 مستوفی‌گری وی بعهامه تغییر یافت. اینک همان نامه در این جا



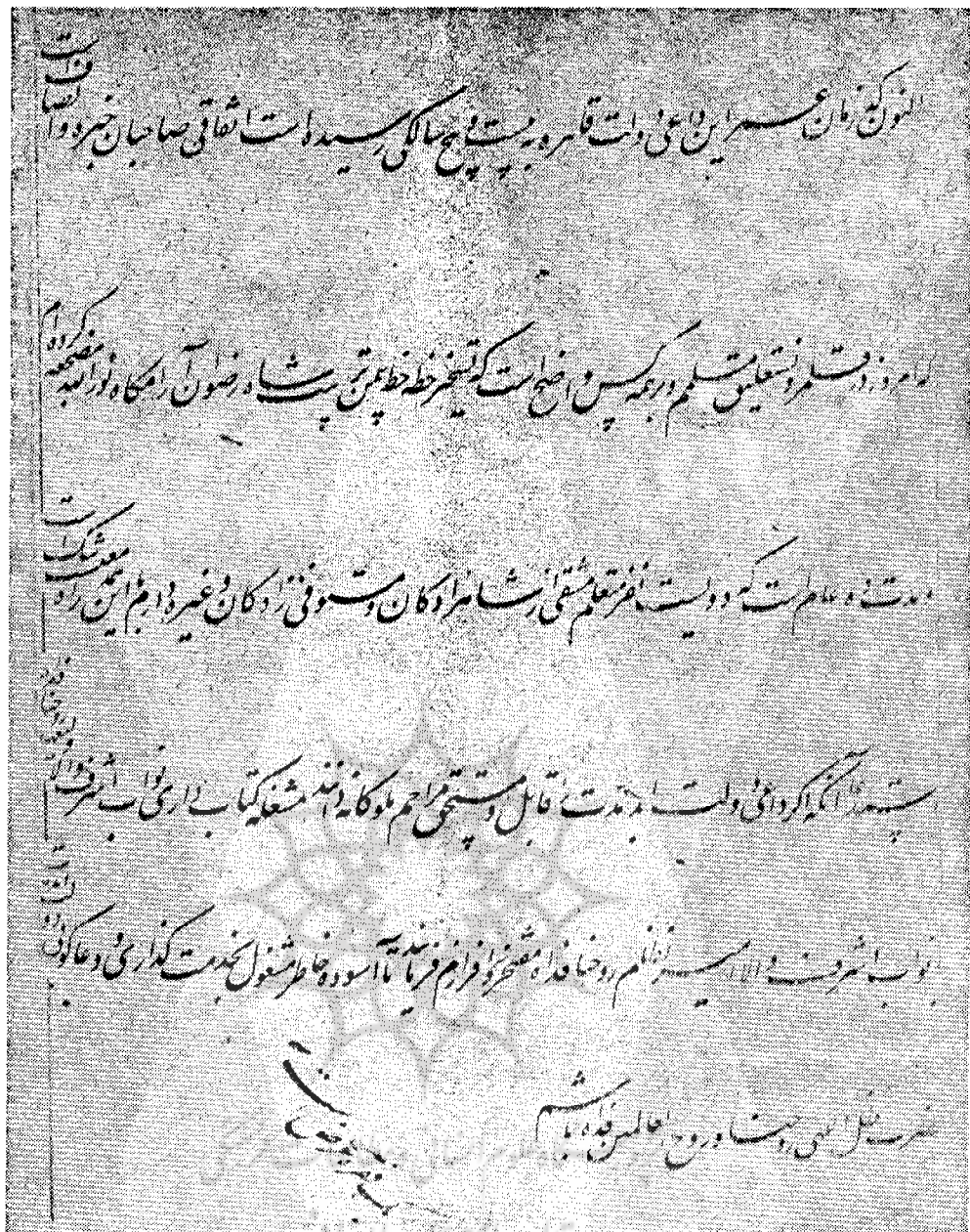
نمونه‌ای از خط غلامرضا اصفهانی

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی
آن شب قدر که این تازه براتم دادند
فی شهر جمادی الاخر سنه ۱۳۰۲ یا علی مدد است
مکتوب زیر عریضه‌ایست که میرزا غلامرضا خطاب
به ناصرالدین‌شاه قاجار نوشته است (شکل ۳).
میرزا غلامرضا پس از درگذشت محمدشاه قاجار همچنان
مورد توجه و الطاف فرزندش ناصرالدین شاه نیز بوده و بواسطه
اشتہار در هنر و فضل و محبوبیتی که در بین مردم بهمرسانیده
بود وحتى وجود شاگردان و مریدان کثیرش که چون پروانه
بدور شمع وجود این استاد جمع آمده بودند، محسود اقران
و ارباب غرض گردیده و سرانجام منجر بسعایت وی گردید
و به‌تهمت ناروای بابی‌گری متهمش ساختند «رب شهرة»
لاصله» لذا میرزا غلامرضا مغضوب و دستگیر و فرمان قتل
وی صادر شد اما ظاهراً بشفاعت یکی از اعیان و پاشاهزادگان
قاجاری (شاید دوست علیخان معیرالممالک) از مرگ نجات
یافت و درنامه‌یی که مشروح آن کلیشه شده کلیه اتهاماتی را که
موجب برانگیخته شدن خشم شاه و صدور فرمان قتل وی
گردیده بی‌مورد دانسته و از ناصرالدین شاه قاجار استدعای
بذل توجه و برقراری مستمری بمقاد: الفقر سوادالوجه و نیز
عنایت و بخشش کرده‌است... (شکل ۴).

یکی دیگر از وقایع جالب دوران زندگانی او اینست
که میرزا غلامرضا یکبرگ حواله پانصد تومانی بخط مرحوم
دوست محمد خان معیر که در خدمتش بسر میبرد جعل کرده

می‌نگارد. هنگام صبی که آغاز نماست قریب هفت سال از
سنین عمرم گذشته و در دبستان بیخواندن قرآن کریم و فرقان
عظیم اشتغال داشت. شبی بخواب بزرگواری ارشادم نموده
به تقبیل آستان ملایک پاسبان شاه اولیا علیه و علی ابناؤه آلاف
التحیه و الثناء راهبری فرمود در دنبالش شتافتم تا فضائی که
انتهاش ایوانی داشت یافتم که در گوشه آنجا حضرت شاه اولیا
ارواح العالمین له الفدا توقف داشتند حکم تقرب عتبه علیهم
نمود چون نزدیکتر شدم فرمود مشقت را بیاور. علی الفور
صفحه کاغذ و قلم و دواتی بحضور مبارک تقدیم نمودم. در وسط
آن صحیفه لام الف و یائی بدین شکل نگاشته مرحمت و فرمودند
از این رو بنگار. زیاده ازین بخاطر نیست بالجمله فردای آن
شب در دبیرستان بهمگنان بیان این شرافت میکرد. معلم صورت
خواب را سؤال نمود. این بنده صورت ماجرا کماجرا بازگفت
دیگر روز حقیر را بتحصیل خط واداشت.

بعد از دو سال زیاده یا کم بر جمله هم‌گنان برتری جسته
و در سال پنجم آن تاریخ، محض امتیاز خط نستعلیق بخدمت
شاهنشاه میرو محمد شاه مغفور طاب ثراه مشرف شده، مورد
عواطف شایان و تشریفات بیکران آمده چند سال حسب الامر
ایام آدینه بدان فرخنده درگاه تشریف می‌جسته و همواره بمراحم
عالیه و خلایع فاخره از قبیل قلمدان دوات مرصع و شالهای ترمه
کشمیری و چند کلیچه ترمه و وجوه نقدی سرافراز می‌نمود.
عجب‌تر آنکه در سال چهل و یک از سنین عمر بزیارت آن
درگاه عرش اشتباه مفتخر آمد تا معلوم باشد که دولت در آن سرا
و آسایش در آن دراست. محض عرض تشکر قلمی شد.



(شکل ۳)

چندی است که در اختیار آقای احمد سهیلی خوانساری قرار دارد.

این خوشنویس عالیقدر نسخه‌های متعددی از مناجات‌نامه حضرت علی علیه‌السلام برای دوست محمد خان و دوستعلیخان معیر و دیگر اعیان و بزرگان زمان خود تحریر کرده و از آنان انعام‌های قابل توجهی دریافت کرده است و بعلاوه ازین استاد مرقات خطی - کتب - قطعات تابلوهای نفیس فراوان دیگر در کتابخانه‌های زیر موجود است:

کتابخانه سلطنتی - کتابخانه مجلس شورای ملی -

و پانصد تومان از صندوق دار دریافت نمود، هنگام محاسبه معیر متوجه و موضوع برملا میشود و چون داستان بسمع ناصرالدین شاه رسید امر کرد دست میرزا غلامرضا را قطع کنند معیر وساطت کرد و با پرداخت مبلغ معتنی بهی از اجرای این فرمان جلوگیری نمود. بیاس این محبت بود که میرزا تابلو بزرگ و زیبایی (تابلو نادعلیاً مظهر العجایب . . . الخ) بطول دو متر و نیم و عرض یک متر و نیم باطلای ناب برای مرحوم معیر نوشت که ناجائیکه نگارنده اطلاع دارد این تابلو نفیس زمانی نزد نقاش معاصر آقای عیسی بهزادی بود و اکنون